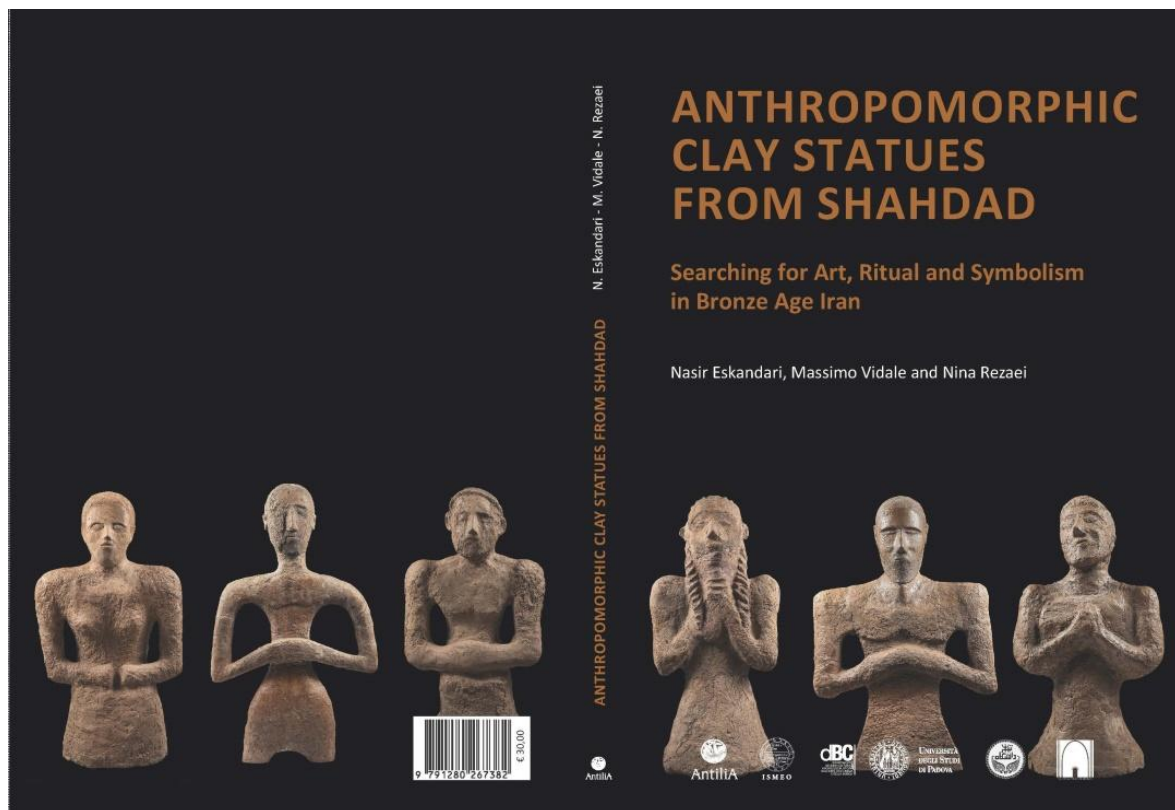


# معرفی و نقد کتاب «پیکره‌های انسان‌نمای گلی شهداد، جستاری در هنر، آیین و نمادگرایی عصر مفرغ ایران»

مهدی رازانی  

دانشیار، مرمت و باستان‌سنجی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.564221.1035>



## ۱. مقدمه و اهمیت موضوع

کتاب پیکره‌های انسان‌نمای گلی شهداد، جستاری در هنر، آیین و نمادگرایی عصر مفرغ ایران<sup>۱</sup> در ۲۵۶ صفحه تدوین‌شده و شامل ۱۳ فصل اصلی و یک پیوست است. ساختار محتوایی کتاب به گونه‌ای طراحی شده که ضمن ارائه تحلیل‌های باستان‌شناسی، زمینه‌ای مستند و علمی برای پژوهش‌های بعدی فراهم کند. کتاب با پیشگفتارهایی از آندره روزی رئیس موسسه ایزمئو و جبریل نوکنده رئیس موزه ملی ایران آغاز می‌شود و مجموعه‌ای پر از تصویر با کیفیت دوبعدی و سه‌بعدی و طراحی باستان‌شناسی از گورهای شهداد باستانی را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت کتاب فوق از جمله پژوهش‌های نظام‌مند منتشرشده درباره پیکره‌های گلی انسان‌نمای کشف‌شده در گورستان A شهداد است؛ آثاری که از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به‌عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین نموده‌های هنر و اندیشه آیینی عصر مفرغ ایران شناخته شده‌اند. نویسندگان، دکتر نصیر اسکندری دامنه، دکتر ماسیمو ویداله و خانم نینا رضایی، با اتکا بر اسناد بازخوانی‌شده از کاوش‌های علی حاکمی و نیز اسکن‌های سه‌بعدی جدید، کوشیده‌اند این پیکره‌ها را هم از منظر هنری و فنی بازخوانی کنند، و هم آن‌ها را در بستر ایدئولوژی مرگ، بازنمایی اجتماعی، و شبکه‌های فرهنگی جنوب شرق ایران تحلیل نمایند.

## ۲. مستندسازی و کیفیت بصری کتاب

این کتاب برای اولین بار مجموعه‌ای منسجم از تصاویر و اسکن‌های سه‌بعدی با کیفیت از پیکره‌ها را ارائه می‌دهد و به‌واقع نقطه عطفی در مستندسازی علمی این مجموعه کم‌نظیر به شمار می‌آید، زیرا برای نخستین بار تمامی پیکره‌های شناخته‌شده، که بسیاری از آن‌ها طی دهه ۱۳۴۰ بدون ثبت تصویری استاندارد کاوش و منتقل شده بودند، با روش‌های مدرن تصویربرداری و اسکن سه‌بعدی ثبت و ارائه شده‌اند. این اقدام امکان مشاهده دقیق ویژگی‌های ریخت‌شناختی، جزئیات و شکل دست‌ها، چهره، آثار رنگ، شکستگی‌ها و مرمت‌های پیشین را فراهم کرده و داده‌هایی تصویری قابل‌تحلیل برای پژوهش‌های آینده تولید کرده است. به‌نحوی که در مطالعات آینده

۱. اسکن سه‌بعدی به‌عنوان یک روش ثبت و پایش مبنای بازسازی‌های دقیق قرار می‌گیرد و ابهاماتی را که در گزارش‌های اولیه کاوش وجود داشت، کاهش می‌دهد.

۲. امکان تحلیل تطبیقی پیکره‌ها با نمونه‌های مشابه در جیرفت، آسیای مرکزی و میان‌رودان را فراهم می‌سازد.

۳. داده‌ها را از وابستگی به مشاهده فیزیکی آزاد کرده و دسترسی پژوهشگران جهانی را ممکن می‌کند.

۴. به‌عنوان یک ابزار حفاظتی عمل کرده و نسخه دیجیتال پایداری از پیکره‌ها به‌وجود می‌آورد که در صورت آسیب‌دیدگی نسخه اصلی، قابل استناد است. به‌این ترتیب، انتشار این کتاب از نظر مجموعه تصویری و سه‌بعدی اقدام سرنوشت‌سازی در استانداردسازی داده‌های مربوط به فرهنگ شهداد و بازگشودن مسیر پژوهش‌های جدید در هنر و آیین عصر مفرغ ایران است.

## ۳. شهداد در شبکه فرهنگی عصر مفرغ: از جیرفت تا میان‌رودان

بازتعریف جایگاه این آثار را در شبکه فرهنگی جهان ایرانی عصر مفرغ، از جیرفت و شهداد تا آسیای مرکزی و میان‌رودان: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نویسندگان کتاب که با تسلط کامل بر داده‌های منطقه‌ای انجام گرفته آن است که پیکره‌های گلی شهداد را نه به‌عنوان آثاری منزوی، بلکه به‌عنوان بخشی از یک نظام فرهنگی - هنری واحد در پهنه وسیع شرق ایران و همسایگان آن بازخوانی می‌کند. نویسندگان با تحلیل تطبیقی ویژگی‌های فرمی، نمادین و آیینی این پیکره‌ها با نمونه‌های جیرفت (هلیل‌رود)، شمال کرمان، دشت سیستان، حوزه آمودریا (BMAC) و حتی میان‌رودان، نشان می‌دهند که فرهنگ شهداد در تعامل مداوم با مجموعه‌ای از مراکز فرهنگی هم‌دوره بوده است. این بازتعریف سبب می‌شود پیکره‌ها تنها بازتاب یک سنت محلی تلقی نشوند، بلکه شاهدهی بر گردش ایده‌ها، سبک‌های هنری و مفاهیم آیینی در هزاره سوم پیش از میلاد باشند. اهمیت این تحلیل در آن است که: نقش شهداد به‌عنوان «گره ارتباطی» در شرق ایران تقویت می‌شود، به‌علاوه فرضیه‌های کهنه در رابطه با «انزوای فرهنگی» منطقه، از پس این سپهر رد شده و گفت‌وگو درباره خاستگاه‌ها، نفوذ متقابل و تکامل هم‌افزا هنری در عصر مفرغ به شکلی تازه باز می‌شود. این رویکرد مقیاس تحلیل را از سطح یک مجموعه تدفینی به سطح یک حوزه فرهنگی گسترده ارتقا می‌دهد و جایگاه شهداد را در تاریخ هنر ایران بازسازی می‌کند. کتاب به‌درستی از «تأثیرپذیری مستقیم» پرهیز و بر «هم‌ریشگی مجموعه نمادین حوزه ایرانی» تأکید می‌کند.

## ۴. بازسازی انتقادی بافت تدفینی: نقد کاوش‌های قدیمی و خوانش تازه

خوانش تازه‌ای از بافت‌های تدفینی با نقد رویکردهای پیشین، به‌ویژه کاستی‌های مستندسازی در کاوش‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰: یکی از نقاط قوت کتاب، بازبینی انتقادی گزارش‌های قدیمی کاوش شهداد است؛ گزارش‌هایی که به‌دلیل محدودیت‌های فنی و استلندادهای متفاوت آن زمان، اطلاعات دقیقی از جایگاه اشیاء، لایه‌نگاری، جهت تدفین‌ها و ارتباط میان عناصر تدفینی ارائه نمی‌کردند. نویسندگان با بررسی دوباره عکس‌های بایگانی، یادداشت‌های پراکنده و شواهد موزه‌ای، کاستی‌های روش‌شناختی این کاوش‌ها را شناسایی می‌کنند و از خلال این نقد، رویکردی تازه برای بازسازی بافت تدفینی به‌وجود می‌آورند. اهمیت این رویکرد در آن است که معنای آیینی و اجتماعی پیکره‌ها تنها از خلال بافت دقیق گورها قابل فهم است و بدون بازنگری علمی، بسیاری از برداشت‌های پیشین یا ناقص بودند یا بر فرضیات سست استوار می‌شدند. این روش جدید امکان می‌دهد تا رابطه پیکره‌ها با جسد، اشیای همراه، جهت‌گیری تدفین و ساختار فضایی گور با دقت بیشتری تحلیل شود. بدین ترتیب کتاب با عبور از تفسیرهای قدیمی، خوانشی پویا و علمی از نظام تدفینی شهداد ارائه می‌کند که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده در جنوب‌شرق ایران قرار گیرد؛ اما باوجود این تلاش، هنوز برخی گورها فاقد اطلاعات حداقلی‌اند؛ که راه را برای مطالعات آینده باز گذاشته است.

## ۵. تحلیل سبک‌شناختی و نشانه‌شناختی پیکره‌های شهداد

کتاب در بخش تحلیل سبک‌شناسی و نمادشناسی پیکره‌ها یکی از موفق‌ترین و دقیق‌ترین فصل‌های خود را ارائه داده است. این بخش با جزئیات کم‌نظیری به بررسی مجسمه‌ها، جایگاه دست‌ها، مدل مو، نشانه‌های رنگ‌گذاری و میزان بازسازی پیکره‌ها در موزه می‌پردازد و منبعی ارزشمند هم برای پژوهشگران هنر عصر مفرغ و هم برای متخصصان مرمت به شمار می‌رود. در زیربخش شکل بدن و زبان بدن، کتاب به‌درستی تأکید می‌کند که تنه مخروطی یا استوانه‌ای و پایین‌تنه تقریباً بی‌جزئیات پیکره‌ها نه ناشی از ناتوانی هنرمند، بلکه احتمالاً نتیجه پوشاندن آن‌ها با لباس یا پارچه

واقعی بوده است. در زیربخش بازنمایی چهره، نویسنده با ظرافت به فردیت چشمگیر چهره‌ها توجه نشان می‌دهد؛ بینی‌های مشخص، چانه‌های برجسته، ریش یا مدل موی خاص، حالت‌های متفاوت چشم و حتی «نگاه» معنادار (مانند نگاه به بالا در حالت نیایشی) که در مقایسه با بسیاری از سنت‌های تصویری هم‌عصر، بیانگر هویت و احتمالاً جایگاه اجتماعی یا آیینی متفاوتی برای افراد مدفون است. قوی‌ترین دستاورد این فصل اما در زیربخش رمزگان آیینی نهفته است؛ کتاب با تکیه بر بافت تدفینی، شیوه قرارگیری پیکره‌ها و مقایسه هوشمندانه با دیگر محوطه‌های ایران، به این نتیجه نوآورانه و متقاعدکننده می‌رسد که این پیکره‌ها تصویر واقعی فرد متوفی نیستند، بلکه نشانه‌هایی از نقش، منصب، هویت یا حتی ایزدبان را بازنمایی می‌کنند و بخشی از یک نمایش آیینی در لحظه تدفین به حساب می‌آیند، نه صرفاً اشیای همراه مرده. این دیدگاه تازه، بدون تردید یکی از کلیدی‌ترین و ماندگارترین دستاوردهای کتاب به شمار می‌رود.

## ۶. کاستی‌های روش‌شناختی در تحلیل پیکره‌های شهداد: مرزهای تفسیر، غیبت داده‌های نوین و پیامدهای آن

از منظر روش‌شناختی، کتاب را می‌توان دقیق‌ترین اثر منتشرشده درباره پیکره‌های شهداد دانست؛ با این حال، چند ضعف اساسی در بنیان تحلیل‌ها قابل اشاره است. نخست آن که بخش مهمی از استنتاج‌ها بر داده‌های بازسازی‌شده دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ متکی است؛ داده‌هایی که خود نویسندگان نیز به محدودیت‌های مستندسازی آن دوره اذعان کرده‌اند. با وجود این، در متن نهایی همواره مرزی روشن میان «مشاهدات قطعی» و «برداشت‌های احتمالی» ترسیم نشده است. این مسئله به‌ویژه در موضوعات حساسی همچون جهت‌گیری دقیق پیکره‌ها درون گورها یا موقعیت بدن متوفی نمود بیشتری دارد. افزودن شاخص‌های عدم قطعیت، تفکیک لایه‌های تفسیر و نشانه‌گذاری داده‌های بازسازی‌شده می‌توانست اعتبار علمی مباحث را به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

دومین کاستی جدی، فقدان کامل استفاده از روش‌های آزمایشگاهی نوین است. امروزه امکان تحلیل خاک رس و تعیین منشأ مواد اولیه، شناسایی بقایای رنگ با روش‌های طیف‌سنجی (از جمله Raman, XRF) فراهم است؛ با این حال، کتاب از هیچ‌یک از این ابزارها بهره نبرده است. این خلأ موجب شده مباحث مربوط به شیوه‌های ساخت، کارگاه‌های تولید و شبکه‌های توزیع احتمالی پیکره‌ها با محدودیت جدی روبه‌رو شود و فرصت ارائه تحلیلی جامع‌تر از فناوری و سازمان‌دهی تولید در شهداد از دست برود. کمبود داده‌های انسان‌شناسی زیستی نیز بر پیچیدگی موضوع افزوده است. هرچند تخریب شدید بقایای استخوانی توجیه‌پذیر است، اما بهره‌گیری از روش‌هایی مانند ریز آنالیز استخوان، مطالعات ایزوتوپی، یا بررسی میکرو ذرات دندانی می‌توانست تصویری کامل‌تر از ویژگی‌های زیستی، رژیم غذایی و ساختار جامعه تدفینی شهداد ارائه کند.

## ۷. دستاوردهای نظری

کتاب در حوزه نظری یکی از تحولات چند سال اخیر در مطالعات عصر مفرغ جنوب شرق ایران را رقم زده و پارادایم غالب را به چالش کشیده است. برجسته‌ترین دستاورد آن، بازتعریف مرگ به‌مثابه یک «نمایش آیینی» است؛ پیکره‌ها دیگر صرفاً اشیاء تزئینی یا همراه مرده محسوب نمی‌شوند، بلکه بازیگرانی فعال در یک اجرای تشریفاتی‌اند که دقیقاً در لحظه تدفین به صحنه می‌آیند. قرارگیری آن‌ها در ورودی اتاقک، روبه‌روی متوفی یا در حالت نظاره و نیایش، بیانگر آن است که مراسم تدفین در شهداد مهم‌ترین عرصه بازنمایی قدرت، سلسله‌مراتب و هویت جمعی بوده است. دومین دستاورد کلیدی، ارائه مفهوم «هویت آیینی» است؛ نویسندگان استدلال می‌کنند که پیکره‌ها پرتو واقعی افراد نیستند، بلکه بازنمایی نقش‌های موروثی، جنسیتی، سیاسی یا حتی اسطوره‌ای‌اند که فرد در حیات اجتماعی و آیینی خود ایفا می‌کرده است. این دیدگاه، درک ما از فردیت و جامعه در جوامع پیشاتاریخی ایران را به‌کلی دگرگون می‌سازد. در نهایت، کتاب نشان می‌دهد که فناوری تولید پیکره‌ها (رنگ‌گذاری نمادین، فرم مخروطی تنه و انتخاب عمدی خاک رس پخته‌نشده و شکننده) خود بخشی از نظام معنایی مناسک بوده و زیبایی‌شناسی در شهداد جدایی‌ناپذیر از آیین به شمار می‌روند. این سه دستاورد در مجموع، کتاب را به اثری مرجع و تحول‌آفرین در باستان‌شناسی آیین مرگ در عصر مفرغ ایران تبدیل کرده است.

## ۸. نتیجه‌گیری

کتاب «پیکره‌های انسان‌نمای گلی شهداد» در کل اثری است که هم در سطح داده و هم در سطح نظری، نقطه عطفی در مطالعات مجسمه‌سازی عصر مفرغ ایران و خاورمیانه به شمار می‌آید. قوت اصلی این کتاب در آن است که با اتکا بر مستندسازی دقیق، بازخوانی انتقادی داده‌های قدیمی و بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای، توانسته جایگاه واقعی پیکره‌های شهداد را در تحولات فرهنگی، آیینی و هنری هزاره سوم پ.م روشن کند. اگرچه محدودیت‌های بنیادین داده‌های کاوش‌های دهه ۱۳۴۰-۱۳۵۰، غیبت تحلیل‌های آزمایشگاهی نوین و گاه عدم تفکیک شفاف سطح عدم قطعیت، برخی جنبه‌های پژوهش را با چالش روبه‌رو کرده است، اما این کاستی‌ها موجب نشده توان تحلیلی کتاب کاهش یابد؛ برعکس، اثر حاضر با طرح پرسش‌های تازه و ایجاد چارچوب‌های نظری قابل‌گسترش، مسیر پژوهش را به‌سوی استانداردهای علمی بالاتر هدایت کرده است. از منظر جایگاه منطقه‌ای نیز کتاب نشان می‌دهد که شهداد بخشی از شبکه‌ای گسترده و پیچیده بوده که از هلیل‌رود و جیرفت تا سیستان و فلات مرکزی امتداد داشته است. پیکره‌های گلی در این نگاه، تنها اشیایی هنری نیستند، بلکه اسناد اجتماعی - ایدئولوژیکی منحصربه‌فردی‌اند که به فهم ساخت قدرت،

کیش مرگ و تعاملات فرهنگی شرق ایران یاری می‌رسانند. انتشار این اثر با همکاری موزه ملی ایران و ISMEO، پیوندی کم‌نظیر میان اعتبار ملی و استانداردهای بین‌المللی ایجاد کرده و کتاب را به مرجعی پایدار، قابل استناد و الهام‌بخش برای نسل‌های آینده پژوهش بدل ساخته است.

## ۹. پیشنهاد به بهانه چاپ این کتاب

نکته‌ای بنیادین که این کتاب را برای نگارنده برجسته می‌کند، خلأ رویکرد «باستان‌شناسی کتابخانه‌ای و اسنادی» در منابع فارسی است. در سنت پژوهشی ما معمولاً کاوش میدانی و گزارش‌های حفاری محوریت یافته‌اند، حال آن‌که تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد بخش بزرگی از پیشرفت‌های نظری، تاریخی و فرهنگی در باستان‌شناسی نه از طریق خاک‌برداری، بلکه از مطالعه نظام‌مند مجموعه‌ها، اسناد بایگانی‌شده، گزارش‌های موزه‌ای و داده‌های منتشرشده به دست می‌آید. آنچه در موزه‌ها و آرشیوها حفظ شده — از گزارش‌های اولیه تا یادداشت‌های میدانی و مجموعه‌های پراکنده — در بسیاری موارد از خود داده‌های کاوش تازه مهم‌تر است، زیرا ماندگار، قابل بازبینی و قابل تحلیل‌های نو هستند؛ به‌ویژه در کشوری که تخریب، فرسایش و نبود امکان حفاظت پایدار، تداوم بررسی میدانی را همیشه ممکن نمی‌سازد. احیا و حرکت به سمت باستان‌شناسی کتابخانه‌ای و صرف بودجه‌های تحقیقاتی برای آن از طرف پژوهشکده باستان‌شناسی و وزارت میراث فرهنگی از اوجب واجبات است انتشار این کتاب نمونه‌ای موفق از همین رویکرد است؛ اثری که نشان می‌دهد برای پیشبرد باستان‌شناسی ایران، به همان اندازه که به کاوشگر میدان نیاز داریم، به پژوهشگر کتابخانه‌ای نیز نیاز مبرم داریم؛ پژوهشگری که بتواند از دل اسناد، تصاویر، آرشیوها و مجموعه‌های موزه‌ای، تاریخ دیگری از گذشته را بازسازی کند.

## پی‌نوشت

1. Eskandari, N. Vidale, M., & Rezaei, N. (2025). *Anthropomorphic clay statues from Shabdad: Searching for art, ritual and symbolism in Bronze Age Iran*. ISMEO – Università degli Studi di Padova.

رازانی، مهدی (۱۴۰۴). معرفی و نقد کتاب «پیکره‌های انسان‌نمای گلی شهداد، جستاری در هنر، آیین و نمادگرایی عصر مفرغ ایران». میراث جنوب غربی آسیا، ۲(۲)، ۶.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.564221.1035>